خبر

تجلیل از بزرگان در جشنواره «سینما حقیقت»

آیین بزرگداشت ناصر ممدوح گوینده و مدیر دوبلاژ، مصطفی دالایی فیلمبردار، مستندساز و تهیه‌کننده و ابراهیم سعیدی مستندساز، کارگردان و تدوینگر در هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» برگزار می‌شود. ناصر ممدوح، گویندگی آثار مستند در گونه‌های مختلف را ادامه داد و شاید بتوان اذعان کرد صدای ممدوح در قالب «صدای مستند» در ذهن مخاطب ایرانی شکل گرفته است. پرواز، سیاره زمین، به زبان ساده، مثل آب باش و... از جمله آثار مستندی است که با صدای ممدوح ضبط و پخش شده است. مصطفی دالایی ضمن حضور در گروه‌های مستند جهادسازندگی، یکی از همراهان نزدیک شهید آوینی در مجموعه آثار روایت فتح بوده و این دوران را با دوربین مستند خود ثبت و ضبط می‌کرد. دالایی عمرش را صرف فیلمبرداری و مستندسازی از دفاع‌مقدس و دوران سازندگی کرده است. از آثار مستند مصطفی دالایی، می‌توان به فیلم‌های ظلم خونین، هفت قصه از بلوچستان، امام فراسوی مرزها اشاره کرد. ابراهیم سعیدی مستندساز، کارگردان، فیلمبردار و تدوینگر سینمای ایران است. در کارنامه هنری ابراهیم سعیدی که فیلمسازی گزیده‌کار است، کارگردانی بیش از ۱۰ فیلم خلاقانه به چشم می‌خورد که روزگیران، همه مادران من، ژوان، ژیله مو و هیلین از جمله این آثار است. هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینماحقیقت با دبیری محمد حمیدی مقدم از ۱۸ تا ۲۵ آذر در پردیس سینمایی چارسو برگزار می‌شود.

صبحانه سرد در ضیافت سینمایی

فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» تنها در چند سکانس با کمدی‌های سخیفی که روی پرده هستند تفاوت جدی دارد

محسن خیابانی
نویسنده و منتقد

فیلم استونر یا استونر کمدی، زیرژانری از ژانر کمدی است که به ماجراهای خنده‌دار افرادی می‌پردازد که موادمخدر مصرف کرده‌اند. این اصطلاح در ابتدا فقط ناظر بر آثاری بود که پیرامون استعمال ماری‌جوانا ساخته شده بود و در طرح داستانی‌شان، استفاده تفریحی از این ماده مخدر، منجر به حوادثی عجیب و خنده‌دار می‌شد ولی به‌مرور به تمام کمدی‌های با محوریت مصرف مواد مخدر اطلاق شد. باید توجه داشت که استونر کمدی یا فیلم‌چتی، لزوما به فیلم‌های کمدی اطلاق می‌شود و درام‌های تراژیک درباره معتادان، در این دسته جا نمی‌گیرند. همچنین فیلم‌های کمدی با محوریت استفاده مشروبات الکلی و پیامدهای خنده‌دار آن را و مشهورترین آن خماری صبحگاهی (The Hangover) نمی‌توان در این زیرژانر قرار داد. به‌تازگی فیلم صبحانه با زرافه‌ها به کارگردانی سروش صحت در سینماهای ایران اکران شده که یک فیلم استونر محسوب می‌شود. اگرچه در اغلب نمونه‌های موفق استونر در سینمای جهان، مصرف مواد مخدر تشویق نمی‌شود اما خود نشان‌دادن نحوه مصرف، باعث شده که اغلب این آثار، به‌راحتی درجه R بگیرند، یعنی تماشای این آثار برای افراد زیر ۱۷ سال، ممنوع است. تماشای صبحانه با زرافه‌ها هم درست به این دلیل و البته کنایه‌های فراوان دوپهلوی جنسی، هرگز به افراد زیر ۱۷ سال توصیه نمی‌شود!

سه دوست در موتورخانه

پویا، شاهین و مجتبی به عروسی دوستشان رضا دعوت شده‌اند که از اقوام مجتبی محسوب می‌شود. آشنایان و اقوام خانواده عروس، برعکس رضا و دوستانش، افراد شاد و شنگولی نیستند و رضا دائما توسط برادرزنش (سعید) محدود می‌شود. دوستان رضا به‌منظور کاهش فشار این عروسی برای دوستشان که پنج سال منتظر این شب بوده، برای خوشگذرانی بیشتر به استفاده از مواد مخدر در موتورخانه تالار عروسی روی می‌آورند. همه چیز ظاهرا خوب پیش می‌رود تا وقتی که رضا اوردوز می‌کند و دوستانش او را نزد دکتری به نام دکتر می‌برند! و این آغازی بر سلسله‌ای از وقایع خنده‌دار و دردناک می‌شود که این جمع، از سر می‌گذرانند.

بی‌دلیل می‌رقصند

پیش از رفتن سراغ نقد عناصر داستانی و کارگردانی صبحانه با زرافه‌ها، شاید بهتر باشد به مسأله رقص در سینمای ایران بپردازیم! در سینمای قبل از انقلاب، سکانس‌های رقص و آواز به جزئی جدایی‌ناپذیر از فیلم‌ها یا لااقل فیلمفارسی‌ها تبدیل شده بود. حتی اگر رقص را عملی مبتذل و سبک برنشماریم، باید قبول کرد که بخش اعظم سکانس‌های رقص در سینمای قبل از انقلاب، سبک و مبتذل بود اما برخی آثار، تا حدودی به کورئوگرافی (طراحی حرکات موزون) نزدیک شده بودند. با وقوع انقلاب اسلامی سال ۵۷ تا سال‌ها رقص از سینمای ما حذف شد تا این‌که در دهه اخیر با جهشی فزاینده در سکانس‌های رقص (طبیعتا رقص مردان) در سینمایمان مواجه شدیم که به‌مراتب مبتذل‌تر و سبک‌تر از همتایان فیلمفارسی‌شان هستند.

در صبحانه با زرافه‌ها هم، حرکات موزون بازیگران بسیار ناموزون و مبتذل از آب درآمده که با وجود برخی بازیگران تئاتری توانمند (مشخصا هوتن شکیبا) عجیب به‌نظر می‌رسد. این عدم طراحی در فیلم سینمایی قبلی سروش صحت (جهان با من برقص) شکل زننده‌تری به خود گرفته بود و اثر پر از لحظات مبتذلی بود که گویا بازیگرانش به جای بازی، در یک دورهمی دوستانه آمده‌اند وسط و در نهایت زشتی و ناسازی، هر چه هنر (بی‌هنری) دارند را رو می‌کنند. از طرفی چون در صبحانه با زرافه‌ها، رقص‌ها در یک عروسی اتفاق می‌افتد، نبود طراحی حرکات موزون کمی منطقی‌تر به‌نظر می‌رسد اما همین هم می‌توانست کمتر مبتذل و زننده باشد. توقع سکانس‌های شلوغ آثار موزیکال آمریکایی را نداریم ولی برای نمونه به رقص توبی مگوایر در مرد عنکبوتی ۳ اشاره می‌کنم که در اثری ابرقهرمانی و به‌شکل تک‌نفره اجرا می‌شود اما با ظرافت و طراحی مناسب، بخشی از تغییرات شخصیت را هویدا می‌کند؛ ظرافتی که در دو اثر سینمایی سروش صحت، وجود ندارد.

مردی برای تمام فصول؟

عمده فعالیت‌های هنری صحت در سینما و تلویزیون به بازیگری، فیلمنامه‌نویسی، کارگردانی و مجری‌گری معطوف می‌شود. او هیچ‌گاه بازیگر موفقی نشد. در طنزپردازی هرگز حریفی برای امثال رضا عطاران و علی صادقی نبود و در نقش‌های جدی حتی از نقش‌های طنز هم ناموفق‌تر بود که می‌توان به‌عنوان نمونه، به بازی‌اش در فیلم بی‌بدن اشاره کرد که اثر در تک‌تک سکانس‌های حضور صحت، غیرقابل‌تحمل می‌شد.

از طرفی صحت در سال‌های فعالیتش به‌عنوان فیلمنامه‌نویس، در تولید تعدادی از مهم‌ترین سریال‌های طنز تلویزیون مشارکت داشت. جُنگ ۷۷، قطار ابدی، زیر آسمان شهر، کوچه اقاقیا و شب‌های بره از جمله آثاری هستند که او به‌عنوان سرپرست نویسندگان یا عضوی از تیم نویسندگان، در تولیدشان نقش داشته است. هریک از این آثار، کم‌وبیش رگه‌هایی از فیلمنامه‌هایی را نشان می‌دهند که سال‌ها بعد و در آثاری که خودش کارگردانی کرد، بروز پررنگ‌تری یافتند. سریال‌هایی مثل لیسانسه‌ها، پژمان، ساختمان پزشکان و شمعدونی، که صحت نویسندگی و کارگردانی‌شان را برعهده داشت، نشان از ایده‌هایی داشتند که او هیچ‌گاه نمی‌توانست تحت لوای کارگردانان دیگری مثل مهران مدیری و رضا عطاران، زمینه ظهورشان را فراهم کند. در دهه اخیر اما سروش صحت با ساختن برنامه کتاب‌باز و مجری‌گری در آن، بیشتر دیده شد. این تاک‌شو درباره کتاب و کتابخوانی، طی چند سال و به‌مرور، توانست مخاطبان پروپاقرصی به‌دست بیاورد.

انسانیت فراموش شده

هرچند می‌شد از منظر اخلاقی، ایراداتی جدی به شخصیت‌های سریال‌های سروش صحت وارد کرد اما او در سریال‌هایش همواره توانسته خودش را در طرف خیر داستان نگه دارد یا افرادی که در دنیاهای خل‌خلی سریال‌های او، آدم‌های سالم‌تری بودند. اما دو اثر سینمایی صحت، دنیای تاریکی دارند که پر شده از افرادی که به دیگران اهمیت نمی‌دهند و فقط در پی منافع خویشند. مثلا در سکانسی از جهان با من برقص، شخصیت اصلی (جهان) که سرطان گرفته، با یکی از دوستانش، درباره استفاده از مواد غذایی مفید و ارگانیکی صحبت می‌کند که تولید مزرعه و دام‌های خودش بوده و رفیقش به او می‌گوید: چقدر هم که این استفاده کردن از مواد ارگانیک، اثر داشته! (نقل به مضمون) شنیدن چنین چیزی از طرف رفیق نزدیک یک فرد، دور از انتظار و بسیار غیرانسانی است. چنین وضعیتی در مورد شخصیت‌های صبحانه با زرافه‌ها هم تکرار می‌شود.

اگرچه می‌دانیم که آدم‌های جهان صبحانه با زرافه‌ها معتادند اما این‌که چند نفر از آنها در اوج فلاکت و بدبختی رفیقشان اصرار بر مصرف مواد مخدر دارند، کمی عجیب به‌نظر می‌رسد و آدم از خودش می‌پرسد که این افراد روی چه حسابی با هم رفیق شده‌اند، وقتی هیچ اهمیتی به هم نمی‌دهند؟

شاید بگویید که آدم‌ها در دنیای واقعی همین‌گونه هستند و فقط به فکر منافع خویشند. جواب این حرف را می‌توان از منظر فرم و محتوا داد. از نظر منطقی به هرحال آدم با افرادی دوست می‌شود که برایش اهمیت قائلند و حداقل در تماشای اوج مصیبت رفیقشان، مواد نمی‌کشند! از طرفی برخی رفتارهای این مدلی شخصیت‌ها با بعضی از رفتارهای دیگرشان نمی‌خواند که به نفع خنداندن مخاطب، منطق روایت و شخصیت‌پردازی را زیر سؤال می‌برند. در مورد شخصیت مجتبی مخصوصا این قضیه شکل حادی به خود می‌گیرد. او مثلا قرار است بچه‌مثبت داستان باشد ولی برخی رفتارهایش (مثلا کشتن عنکبوت) با دیگر رفتارهایش نمی‌خواند و فقط محض خنداندن و البته انتقال برخی مفاهیم، در فیلم قرار گرفته‌اند. البته بازی بد بهرام رادان نیز در پردازش ضعیف شخصیت مجتبی، بی‌تقصیر نیست.

دوباره به جمل اول پاراگراف قبل برمی‌گردیم: شاید بگویید که آدم‌ها در دنیای واقعی همین‌گونه هستند و فقط به فکر منافع خویشند. اگر سروش صحت فقط ناظر بی‌طرفی بر رذالت انسان‌ها می‌بود ما مشکلی با این قضیه نداشتیم ولی او کاملا در میزانسن و کارگردانی آثار سینمایی‌اش طرف این افراد رذل و رذالت‌هایشان می‌ایستد؛ نشان به این نشان که از تماشای این رفتارهای زننده حس بدی نمی‌گیریم. ربط دادن این اعمال به پوچی خیامی و ابزوردیسم مد روز و شجاعت در پیام ندادن و این حرف‌ها هم دردی را دوا نمی‌کند. اتفاقا سروش صحت، دنبال پیام دادن است؛ چه جورش هم!

نمادها و کتاب‌ها

هر وقت شنیدید که استفاده از یک کتاب در یک فیلم، لزوما آن را به اثری فرهیخته و کلاس‌بالا تبدیل نمی‌کند، یاد صبحانه با زرافه‌ها بیفتید. در سکانسی از فیلم بهرام رادان به شکلی تحمیلی دارد جملاتی حکمت‌آمیز را از کتاب آقای دکتر می‌خواند. مشخصا نه رفتن سراغ این کتاب به مجتبی می‌آید و نه داشتن این کتاب به آقای دکتر.

در بسیاری از آثار شاخص سینمای هنری جهان، کمتر می‌بینید که کسی کتاب بخواند یا حداقل جملاتی را از کتاب‌ها با صدای بلند بیان کند. این کارگردانان چیزهایی که در کتاب‌ها خوانده و دوست داشته‌اند را در قالب پردازش شخصیت و میزانسن به مخاطب القا می‌کنند و نه با روخوانی کتاب! نکته آزاردهنده دیگر، استفاده از نمادهای گل‌درشت مثل آن گاو کنار جاده است که به‌هیچ‌وجه در بافت اثر حل نمی‌شود. کارگردان یک‌سری نماد را به زور در اثرش وارد کرده تا مفاهیمی را به بیننده القا کند؛ غافل از این‌که باید زمینه‌های حداقلی را برای استفاده از این نمادها فراهم کند.

سریال‌ساز موفق، سینماگر ناموفق

هرچند سریال شبکه نمایش خانگی سروش صحت (مگه تموم عمر چند تا بهاره؟) از اغلب آثار تلویزیونی کارگردانش ضعیف‌تر بود اما در مجموع سریال‌های این کارگردان، نسبت به دو اثر سینمایی‌اش، آثار شسته‌رفته‌تری محسوب می‌شوند. گویا صحت نمی‌تواند ایده‌هایش را در ظرف محدود زمانی یک فیلم سینمایی بسط بدهد و به سرمنزل مقصود برساند. از این جهت او را می‌توان با حسن فتحی مقایسه کرد. فتحی نیز در عرصه سریال‌سازی به موفقیت و اعتباری نسبی رسیده ولی کُمیتش در آثار سینمایی‌اش عجیب لنگ می‌زند و اغلب از تولید اثری منسجم و ساختارمند، جا مانده است.

در نهایت باید گفت که شاید صبحانه با زرافه‌ها درباره پوچی باشد اما هیاهو و حمایتی که از این اثر نه‌چندان باکیفیت در فضای رسانه‌ای کشور راه افتاده، خودش مصداق بارز «هیاهوی بسیار برای هیچ» است.

برش

کمدی فاخر کجاست؟!

وضع بازی‌ها در صبحانه با زرافه‌ها نسبت به فیلم اول سروش صحت و البته اغلب کمدی‌های سینمای ایران به‌مراتب بهتر است.

شاید فیلم فقط از همین منظر و چند سکانس خوب اجرا شده (مثل سکانس رستوران) با کمدی‌های سخیفی که روی پرده هستند، تفاوتی جدی داشته باشد ولی از نظر شوخی‌های جنسی و مبتذل، صبحانه با زرافه‌ها از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کند. از نظر شخصیت‌پردازی و منطق روایی هم که وضع فیلم فقط از برخی نمونه‌های مشابه خارجی و داخلی بهتر است.

خلاصه که لفظ «کمدی فاخر» و «کمدی خوب»، هیچ‌جوره به این آش درهم‌جوش و بی‌مزه جناب صحت، نمی‌چسبد.

قاب

اکران «مدیترانه» در لاذقیه

فیلم سینمایی ایرانی «مدیترانه» به کارگردانی هادی حاجت‌مند در سالن مقاومت مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لاذقیه سوریه به نمایش درآمد. داستان فیلم مربوط به یکی از قصه‌های مدافعین حرم است و در آن یک مهندس ایرانی، برای انجام یک پروژه آب، به سوریه می‌رود اما با حوادثی در سوریه مواجه می‌شود... . در مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لاذقیه، پنجشنبه اول هر ماه، یک فیلم سینمایی ایرانی، برای علاقه‌مندان، به نمایش درمی‌آید.

اکران

«مراسم ویژه» به زودی روی پرده

فیلم مستند داستانی «مراسم ویژه» به کارگردانی میثم شاه‌بابایی و تهیه‌کنندگی مهدی کریمی‌تفرشی و میثم شاه‌بابایی راهی اکران می‌شود. مهتاب کرامتی، بهزاد دورانی و میثم شاه‌بابایی ازجمله بازیگران ایرانی این فیلم هستند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: بعد از انتشار خبر فوت نلسون ماندلا (رهبر ضدآپارتاید آفریقای جنوبی)، تیم مستندسازی از ایران راهی آن کشور شد تا از مراسم وداع و خاکسپاری، مستندی تهیه کند.

بعد از چند روز که مراسم وداع توسط تیم مستندساز به ثبت رسید، در روز خاکسپاری، این گروه دچار چالش‌هایی شده و توسط پلیس، از سالن مراسم به بیرون رانده می‌شوند.

آنها در مسیر بازگشت به پایتخت آفریقای جنوبی، در جریان تولد فرزند راننده‌شان قرار می‌گیرند و از پرواز جا می‌مانند.... در آستانه اکران این فیلم، پوستر آن که توسط احمد غلامی و اونیش امین‌الهی طراحی‌شده، رونمایی و منتشر شد. اکران فیلم مراسم ویژه از ۱۴ آذر آغاز می‌شود و مراسم رونمایی این فیلم، روز سه‌شنبه ۱۳ آذر در پردیس سینمایی چارسو برگزار می‌شود.

رویداد

داکا میزبان «این جمعیت قابل کنترل» شد

فیلم «این جمعیت قابل کنترل» به کارگردانی محمدمتین اوجانی، تهیه‌کنندگی مهرداد فرید و نویسندگی روناک برخوردار، برای رقابت در بخش سینمای جهان دوره بیست و سوم جشنواره (DIFF) که از ۱۱ تا ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ در داکا پایتخت بنگلادش برگزار می‌شود، انتخاب شد. جشنواره (DIFF) به عنوان معتبرترین رویداد سینمایی منطقه شناخته می‌شود و از سال ۱۹۷۷ تاکنون به ترویج فرهنگ فیلم سالم در بنگلادش، اختصاص یافته است. روایت فیلم این جمعیت قابل کنترل، داستان یک زن مسن مبتلا به زوال عقل را دنبال می‌کند که هنوز آرزوی اصلی خود را فراموش نکرده است. تلاش فرزندان او برای برآوردن این آرزو، منجر به مجموعه‌ای از حوادث و ماجراها می‌شود و. موضوع کلی جشنواره «فیلم بهتر، مخاطب بهتر و جامعه بهتر» است که به طور منظم سالانه توسط انجمن فیلم رنگین‌کمان با مخاطبان و مهمانان سرشناس بسیاری برگزار می‌شود. فریده سپاه‌منصور، محمدرضا داوودنژاد، علیرضا استادی، زهرا داوودنژاد، مرجان قمری، روناک برخوردار، مهناز افتاده‌نیا، رسول عظیمی، وحید الهویی، مریم شاه‌ولی و محسن آشتیانی‌پور در این اثر نقش‌آفرینی می‌کنند.